

## بررسی تاثیرات عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام



در تاریخ سه‌شنبه ۲۳/۸/۱۴۰۲ شصت و هشتمین نشست تحلیلی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با موضوع «بررسی تاثیرات عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام» با ارائه دکتر حسن لاسجودی در سالن برگزاری جلسات علمی پژوهشگاه برگزار گردید.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این نشست دکتر لاسجودی بیان داشتند:

بحث خود را در سه بخش تقسیم می‌نمایم: ۱- مختصات عملیات طوفان الاقصی ۲- تاثیر این عملیات بر منطقه ۳- چشم اندازی از آینده آیین عملیات.

بخش اول؛ مختصات عملیات طوفان الاقصی:

سؤال اساسی که نسبت به عملیات طوفان الاقصی مطرح می‌شود این است که این عملیات کار چه کسی است؟

- برخی معتقدند که این عملیات توسط مردم فلسطین انجام شده است- کار مجموعه ای از متغیرهای منطقه که همان نیروهای مقاومت هستند می باشد- این عملیات توسط یکی از قدرت های بزرگ منطقه یعنی روسیه هدایت شده است.

به نظر من گزینه اول صحیح است زیرا:

این یک عملیات نظامی و بسیار حساب شده بود که به جهت اثرگذاری و حجم و تاثیر جهانی یکی از بزرگترین عملیات های اطلاعاتی بوده است و بعد اطلاعاتی امنیتی آن بسیار فراتر از بعد نظامی آن است. این عملیات در عمق بین ۶ تا ۱۲ کیلومتری اراضی اشغالی انجام شد. رزمندگان از لایه های متراکم و متعدد فیزیکی و الکترونیکی و هوشمند گذشتند و به شهرک ها رسیدند. بیش از ۶۰٪ نیروهای رزمی و نرم افزار صهیونیستی بر غزه متمرکز بوده و آن را محاصره کرده بودند و با وجود مراقبت های پیچیده انسانی و تجهیزاتی، در این زره پولادین امنیتی اطلاعاتی رخنه کردند. با این همه اگر ارتباط بیرونی برای اجرا یا هماهنگی این عملیات وجود می داشت، حتما به نحوی فاش می شد.

کسانی که در جغرافیای فلسطین زندگی می کنند و پشت دیوارهای رژیم غاصب بوده اند، نسبت به کسانی که آنجا نبوده اند و با منطقه آشنا نیستند بهتر می توانند عملیات کنند.

کسی نمی تواند منکر تاثیر شبکه های اجتماعی باشد. اگر بنا باشد این عملیات با این طرافت و با این حجم از بیرون رهبری شود و رخ دهد، حتما نشانه ای از آن بر ملا می شد. این نیز بیانگر بالا بودن سطح رازداری عملیات بوده و اینکه دیگران در آن دخالتی نداشته اند.

شائبه ای وجود دارد که این عملیات را خود اسرایلی ها برای از بین بردن حماس طراحی کرده اند. این حرف صحیح نیست. کسانی که با تفکرات لیکودی اسراییل آشنا هستند می دانند که جهودی ها خیلی ترسو هستند و برای جان هموطنان شان خیلی ارزش قائلند چون جمعیت شان خیلی کم است. از این رو اولین خواسته آنها آزادی هموطنان شان بود. از این رو این احتمال که طراحی عملیات کار خودشان باشد مورد قبول نیست؛ زیرا خسارات ناشی از این عملیات حسب نوع طراحی و دقت در اجرا بسیار بالا بوده و ادامه آن موجب بالا رفتن آمار تلفات گردیده و این با مبانی لیکودی ها سازگار نیست.

نکته دیگر در مورد عملیات اینکه اسراییل پس از خوردن سیلی عملیات، دچار سردرگمی و گیجی شدند. اسراییل برای باورپذیر کردن عملیات چه کرد؟ چگونه ضربه خورده شده را باید جبران کند؟ چگونه افکار عمومی را نتقاعد کند و با خود همراه سازد؟

بلافاصله سران حامیان آنها یعنی آمریکا و فرانسه به اسراییل رفتند تا مدیریت عملیات را به دست گیرند و آنها را از سردرگمی در بیاورند. نیروهای خود را به کمک آنها آوردند؛ زیرا شیرازه رژیم صهیونیستی از هم پاشیده است.

دلیل اول حملات سنگین و بی رحمانه و کوری که علیه غزه انجام می‌دهند ای است که می‌خواهند به شکلی ضربه سنگینی که خورده‌اند را جبران کنند.

دلیل دوم این حملات ناشی از مبانی لیکودی‌هاست که همیشه به دنبال مظلوم‌کشی هستند. وقتی می‌بینند از میان غزه و دیگرانی که احتمال دخالت در عملیات داشته‌اند، غزه ضعیف‌تر است، تمام قدرت خود را علیه طرف ضعیف به کار می‌برد.

دلیل سوم این است که یکی از آرزوهای اسراییل خالی کردن غزه از سکنه فلسطینی است؛ زیرا قبل از انقلاب اسلامی ایران شعارهای اهل غزه علیه اسراییل ناسیونالیستی بود و پس از انقلاب شعارهایشان اعتقادی شده است. از این رو موشه دایان گفت: آرزوی من این است که غزه را زیر آب بینم.

از نظر آرمان‌گرایی، عملیات طوفان الاقصی یک پروسه است یا یک پروژه؟

برای فهم ماهیت عملیات طوفان الاقصی دو نگاه وجود دارد:

این یک پیغام سیاسی است، یعنی یک عملیات نظامی دارای پیام سیاسی است. این یک کار کاملاً اعتقادی است؛ یعنی یک نگاه رونده برای نابودی اسراییل است.

در واقع این عملیات یک پروسه و یا بخشی از یک پروسه است. نیروهای منطقه به حذف اسراییل می‌اندیشند، پس یک عملیات در این بین نمی‌تواند یک پروژه باشد؛ بلکه بخشی از یک پروسه است. از سال ۱۹۷۵ که بحث صلح اعراب و اسراییل مطرح شد، تا کنون حدود ۳۰۰ طرح مبنی بر صلح ارائه شده و هیچ‌کدام موفق نشده و این بیانگر وجود پروسه مقابله و مبارزه با اسراییل است.

مقام معظم رهبری فرمودند: از ویژگی های این عملیات، ترمیم ناپذیری شکست اسراییل است. این یک جمله استراتژیک است؛ زیرا:

تلفات طوفان در شکست های اسراییل منحصر به فرد است. شکست امنیتی اطلاعاتی اسراییل در منطقه است.

آنها خیلی تلاش کردند تا بتوانند القا کنند که نفوذ ناپذیر و غیر قابل شکست هستند و کسی یارای مقابله با آنها را ندارد، ولی طوفان الاقصی همه تلاش های چندین ساله آنها را نابود کرد و هیمنه او را در هم شکست.

بخش دوم؛ تاثیر این عملیات بر منطقه:

تاثیر عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام چه بوده است؟

بررسی و آشنایی وضعیت منطقه قبل از عملیات در فهم تاثیر آن بسیار مؤثر است و این آشنایی مستلزم جلسات مستقل است. اما برخی از تاثیرات عملیات را می توان اینگونه برشمرد:

نشست ریاض: اخیراً در ریاض عربستان نشستی برگزار شد و در آن نشست نمایندگانی از کشورهای گوناگون حاضر شدند که برخی از آنان اختلافات فراوانی با یکدیگر دارند به گونه ای که اجتماع ایشان غیر ممکن می نمود، ولی حول محور غزه و فلسطین گرد هم آمدند. بالا رفتن سطح گفتمان مقاومت؛ یکی از نکات سخنرانی اول سید حسن نصرانی پس از عملیات این بود که وقتی حماس به تنهایی می تواند اسراییل را زمین گیر کند، نیازی به کمک ما ندارد. لذا آمریکا را مخاطب قرار داد و بالاتر بودن سطح مقابله جهان اسلام را نشان داد. منع از عادی سازی رابطه با اسراییل: کشورهای اسلامی زیادی به دنبال عادی سازی ارتباط با اسراییل بودند و این رویه سرعت گرفته بود، ولی پس از عملیات طوفان الاقصی این رویه قطع شد. هرچند ممکن است پس از مدتی دوباره شروع کنند ولی حداقل این است که کارشان به تاخیر افتاده است. منع از اختلافات جامعه اسلامی: برخی از کشورهای منطقه به دنبال دمیدن در اختلافات طائفی و مذهبی و قومی بودند مانند عثمانی گری و ... ولی اکنون این موضوع نیز به حاشیه رفته و موازنه جابجا شده است. مبارزه تبلیغاتی: در عملیات طوفان الاقصی مبارزان فلسطینی علاوه بر سلاح، دوربین فیلمبرداری نیز در لباس خود تعبیه کرده اند. این موضوع بیانگر بالا رفتن

سطح نگرش جهانی مسلمانان و آگاهی یافتن ایشان از اثر تبلیغات است. با تبلیغ تلفیقی از شهادت و شهادت توانسته‌اند خیل عظیمی از مردم جهان را با خود همراه سازند و در واقع تا حدی اثر تبلیغات ناجوانمردانه اسرائیل را خنثی کرده‌اند.

یکی از حلقه‌های مفقوده برای ما ایرانی‌ها، نحوه مواجهه کشورهای عربی با اسرائیل است. شاید برخی بگویند که کشورهای عربی که داغ‌تر از ما بودند کوتا آمدند؛ ما چرا قضیه را رها نمی‌کنیم؟

در جواب می‌گوییم که حدود ۲۳ کشور عربی داریم که از این میان ۱۰ کشور در قالب پیمان ابراهیم با اسرائیل پیمان همکاری دارند. از طرفی ۱۰ کشور عربی با اسرائیل مواجهه و مقابله علنی دارند و بقیه خاکستری هستند. قبلاً موازنه تقابل به نفع مبارزه علیه اسرائیل بود، پس از مدتی این موازنه به هم خورد و به نفع سازش با اسرائیل شد، اما بعد از عملیات طوفان الاقصی این موازنه دوباره به نفع مبارزه علیه اسرائیل چرخش داشته است.

حسب ظاهر در آینده پیمان ابراهیم در آینده پیگیری شود ولی واقعیت این است که خواست ملت‌ها با برخی دولت‌ها متفاوت است. اگر نخبگان جوامع به موقع ورود کنند می‌توانند دولت‌ها را کنترل کنند.

بخش سوم؛ آینده پژوهی عملیات الاقصی؛

آیا در آینده شاهد جنگ بزرگی خواهیم بود یا نه؟

در غرب آسیا متغیرهایی وجود دارد که از جمله آنها می‌شود به این موارد اشاره کرد: نیروها و احزاب چریکی مستقل، تاثیرگذاری بازیگران داخلی و خارجی و تضاد منافع آنها، درهم تنیدگی مناسبات امنیتی سیاسی اقتصادی منطقه که همیشه نیم نگاهی به بیرون دارد، تبدیل فرهنگ مردم منطقه به منفعت‌طلبی شخصی بر خلاف گذشته که مملو از ایثار و انفاق بود و این ناشی از تاثیر فرهنگ غربی از طریق رسانه‌هاست، از این رو جنگ‌ها تبدیل به چریکی، نامتقابل و فرسایشی شده است. پس بر اساس متغیرهای موجود تصور می‌کنم که در یکی دو ماه آینده شکل جنگ‌ها در منطقه به صورت فرسایشی ادامه خواهد یافت.

اسرائیل می‌خواهد از باخت خود یک برد بسازد، پس تمرکز او بر غزه توجیه پذیر است زیرا علاوه بر اینکه احتمال شکست غزه را می‌دهد، پیامی هم برای دیگران خواهد داشت که غزه ضربه‌ای زد در مقابل

نا بود شد، پس هر کس بخواهد بزند به سختی خواهد خورد.

اسرائیل به دلایلی با غزه جنگ زمینی نمی‌کند؛ زیرا:

به دلیل عکس العمل منفی جهانی نمی‌تواند همه مردم غزه را بکشد. تاکتیک هوشمندانه حماس این است که اعلام کرده همه اسرا را به تونل‌ها برده است. پس راه نابودی تونل‌ها یا مسموم‌سازی آنها را بر اسرائیل بسته است. با توجه به سوابق قبلی که با اعمال فشار زیاد، عملیات‌های استشهادی زیاد می‌شد، اگر غزه را تصرف نماید و فلسطینی‌ها را در تونل‌ها محصور کند، آمار عملیات‌های استشهادی بسیار زیاد خواهد شد و این موجب تلفات بالای بعدی برای اسرائیل خواهد شد. آینده غزه را نمی‌دانند به چه کسی باید بسپارند، پس برای تعیین تکلیف آن نیاز به وقت برای بررسی دارند. مهاجرین را نمی‌دانند به کدام کشور بفرستند، چون هیچ کشوری مهاجرین فلسطینی را با حجم بالایی که دارند نپذیرفته‌اند. به زودی شاهد یک آتش بس کوتاه مدت خواهیم بود؛ چون زمزمه‌هایی از برخی کشورهای مهم عربی به گوش می‌رسد، ولی اسرائیل هنوز نپذیرفته است. در حل موضوع غزه کشورهای مصر و قطر نقش به‌سزایی دارند؛ چون بخشی از اخوانی‌ها در مصر و بخشی از رهبران حماس در قطر هستند. لیکودی‌ها احتمال احیای لنگراد را می‌دهند و از این بابت بسیار نگران هستند.



